

دوفصلنامه علمی پژوهشی سلفی‌پژوهی، سال ششم، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱، تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۹/۱۸، صفحات: ۴۹-۷۶

زن از منظر سلفیه

مهدی فرمانیان*

چکیده

با توجه به جریان‌های مختلف سلفیه می‌توان گفت که دیدگاه سلفیه نسبت به زن، به دو دسته کلی مثبت و منفی تقسیم می‌شود. در حوزه انسان‌شناسی، ابن تیمیه، وهابیان، سلفیه جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوان المسلمین نگاه منفی به زن دارند. در مقابل گروهی از اخوان المسلمین زن را در کرامت و انسانیت هم‌تای مرد دانسته و نگاه مثبتی به شخصیت زن دارند. در حوزه کارکردشناسی نیز برخی از سلفیان جهادی، گروهی از اخوان المسلمین و نیز برخی از وهابیان وظیفه زن را خانه داری و غیر از آن را از باب اکل میته (خوردن مردار) جایز دانسته و بر این باورند که زن فقط به مقدار ضرورت می‌تواند کارکرد دیگری غیر از خانه‌داری داشته باشد. در مقابل برخی دیگر از سلفیان جهادی، اخوانی‌ها و وهابیان کارکرد زن را در خارج از خانه به صورت مطلق مجاز اعلام کرده‌اند. همچنین ابن تیمیه و همفکران وی، وهابیان، سلفیان جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوانی، دیدگاه سختگیرانه‌ای در حوزه حقوق و وظایف دینی بانوان ارائه داده و نگاه حداقلی به حقوق اجتماعی و سیاسی آنان دارند. در مقابل برخی از شخصیت‌های اخوانی دیدگاه مساعدتری در حوزه حقوق و وظایف دینی بانوان اتخاذ کرده و نگاه حداکثری به حقوق اجتماعی و سیاسی ایشان دارند.

کلیدواژه‌ها: زنان، بانوان، وهابیت، اخوان المسلمین، سلفیه جهادی، ابن تیمیه.

مقدمه

در تاریخ دویست و پنجاه ساله سلفیه، چند خوانش و قرائت خاص از سلفی‌گری ارائه شده که با وجود اشتراک فراوان در میان آنها، میزان تفاوت نظری و عملی به اندازه‌ای است که هر کدام از قرائت‌های مذکور را می‌توان یک قرائت مستقل دانست.^۱ اولین خوانش از سلفی‌گری منسوب به ابن تیمیه و وهابیت است که مبنای این خوانش توحید در عبادت است. خوانش دوم از سلفی‌گری منسوب به حسن البناء و اخوان المسلمین است. مبنای این خوانش بر خلاف خوانش قبلی، توحید در حاکمیت در عین پذیرش مردم سالاری دینی است. خوانش سوم مربوط به سلفیان جهادی است. مبنای این خوانش نیز توحید در حاکمیت است؛ اما همراه با تکفیر معتقدان به مردم سالاری اعم از دینی و غیردینی آن.^۲ اخوان المسلمین بر خلاف سلفیه جهادی، به تقابل میان توحید در حاکمیت و مردم سالاری دینی اعتقادی ندارد؛^۳ بنابراین، با اینکه توحید در حاکمیت، مبنای هر دو خوانش است؛ اما دو گفتمان مستقل از یکدیگرند. با توجه به خوانش‌ها و جریان‌های مختلف سلفیه، ارائه تحقیق و پژوهشی جامع درباره «زن از منظر سلفیه» با دو مانع جدی مواجه است: الف) خوانش و قرائت سلفیان از سلفیه و سلفی‌گری یک دست نیست و ما با گونه‌های مختلفی از سلفیه مواجه هستیم. ب) امور مربوط به بانوان، طیف گسترده‌ای از مسائل را دربرمی‌گیرد؛ به همین دلیل در این پژوهش، به مسائل مربوط به زنان در سه عنوان انسان‌شناسی، کارکردشناسی و حقوق و وظایف، پرداخته شده است.

تمام گروه‌های سلفی در حوزه کارکردشناسی، کارکرد و وظیفه اولیه زن را ادای حقوق مرد و تربیت فرزندان می‌دانند،^۴ یا در حوزه حقوق و وظایف دینی بانوان، خلوت زن با

۱. سلفیه تقلیدی و با تسامح وهابیت، سلفیه اصلاحی و با تسامح اخوان المسلمین و سلفیه جهادی همچون القاعده و داعش، جریان‌های عمده و اصلی سلفیه را تشکیل می‌دهند.

۲. سید امام، رساله العمدة فی اعداد العدة للجهاد فی سبیل الله، ص ۹۵؛ شنیطی، ابومنذر، الاسلامیون فی وحل الديمقراطية، ص ۱۱ - ۱۱.

۳. قرضاوی، یوسف، «دموکراسی در اسلام»، نشریه داخلی اصلاح، سال سوم، شماره ۱۸، ص ۱۴ - ۱۶؛ جنیدی، انور، حسن البناء امام شهید راه دعوت و نوگرایی، ص ۱۸۴.

۴. جامعة الاسلامیة بالمدينة المنورة، مجلة الجامعة الاسلامیة بالمدينة المنورة، ج ۳، ص ۱۷۰؛ غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۶۹؛ البناء، حسن، مجموعه رسائل الامام الشهيد حسن البناء، ص ۲۸۶؛ شحود، علی بن نایف (شهاب

مرد نامحرم را حرام و غیر مجاز می‌شمارند؛^۱ اما واقعیت این است که در میان سلفیه دو دیدگاه کاملاً متفاوت نسبت به زن وجود دارد: الف) دیدگاه مثبت و همراه با حسن ظن؛ ب) دیدگاه منفی و همراه با سوءظن.^۲ این دو دیدگاه را می‌توان به وضوح در آرا و نظرات اندیشمندان سلفی در حوزه‌های مختلف انسان‌شناسی، کارکرد شناسی و وظایف و حقوق بانوان مشاهده کرد. برخی از گروه‌ها و حتی شخصیت‌های سلفی دیدگاه یک نواختی درباره زن ندارند، به گونه‌ای که در برخی از حوزه‌ها دیدگاه مثبتی نسبت به زن ارائه داده و در برخی موارد طرفدار دیدگاه منفی‌اند.

به صورت کلی می‌توان گفت: ابن تیمیه و همفکران وی، وهابیت، سلفیه جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوانی نظیر حسن البناء، سید سابق و ... در اغلب مسائل و حوزه‌ها، طرفدار دیدگاه منفی‌اند. در مقابل گروهی دیگر از اخوانی‌ها مانند محمد غزالی، عامر شماخ، یوسف الواعی، یوسف القرضاوی و ... به ترویج دیدگاه مثبت و همراه با حسن ظن اشتغال دارند.

الف. انسان‌شناسی

نگاه منفی و همراه با شک و تردید به زن، سبب شده است که ابن تیمیه و همفکران وی، وهابیان، سلفیان جهادی و برخی از اعضای اخوان المسلمین به لحاظ انسان‌شناسی، زن را موجودی درجه دوم به شمار آورند.^۳

ثاقب، مقالات و ابیات منوعة حول اوضاعنا المعاصرة، ص ۱۶؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۳۴، ص ۹۰.

۱. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۷۱؛ البناء، حسن، مجموعه رسائل الامام الشهيد حسن البناء، ص ۲۸۸؛ الرابطة الشرعية للعلماء و الدعاة بالسودان، هذا بیان للناس، ص ۱۴؛ آل شیخ، محمد بن ابراهیم، فتاوی و رسائل، ج ۱۰، ص ۵۰؛ بن فوزان، صالح، فتاوی الطب و المرضی، ص ۲۲۴؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، ج ۲، ص ۷۲۱.

۲. منشأ اختلاف نظر سلفیان درباره زن و منزلت ایشان، نه در صحت و سقم ادله موجود، بلکه در مدلول آن ادله است. مثلاً اهتمام وهابیت به قاعده "سد ذرایع" باعث سختگیری علمای وهابی نسبت به زنان شده است.

۳. الاشقر، عمر بن سلیمان، الرسل و الرسالات، ص ۸۵؛ سابق، سید، فقه السنة، ج ۳، ص ۸۳؛ فزازی، محمد بن محمد، بین منهج الرحمن و منهج الشیطان، ص ۱۰؛ ابو زید، بکر بن عبدالله، جزء فی زیارة النساء للقبور، ص ۲۵؛ حدوشی، عمر بن مسعود، مجموعه الرسائل فی اهم المسائل، ص ۳۴۵؛ همان، کیف تفهم عقیدتک بدون معلم؟، ص ۴۹۹؛ العلوان، سلیمان ناصر بن عبدالله، التبیان شرح نواقض الاسلام، ص ۳۴؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، النبوات، ج ۲، ص ۸۹۲ - ۸۹۱؛ ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، حادی الارواح الی بلاد الافراح، ص ۱۲۶؛ همان، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۵، ص ۲۶۸.

در زبان عربی ضرب المثل معروفی وجود دارد که می‌گوید: فلان کس مانند گوشتی است که بر روی چوبی که گوشت روی آن بریده می‌شود قرار دارد. این ضرب المثل در مورد افرادی استعمال می‌شود که در شدت ضعف قرار داشته و هیچ توانی برای دفاع از خویش ندارند.^۱ ابن تیمیه ضرب المثل مذکور را در مورد زنان به کار برده و آنان را موجوداتی فوق العاده ضعیف و ناتوان دانسته است.^۲ به اعتقاد او تجربه ثابت کرده است که زنان بیشتر از کودکان نیاز به حفظ و مراقبت دارند.^۳ وی در تفسیر آیه شریفه «و خلق الانسان ضعيفا»،^۴ انسان را مترادف با مردان دانسته و ضعف را به کم طاقتی در برابر زنان تفسیر کرده است،^۵ گویا او اساسا زنان و بانوان را داخل در جرگه انسان‌ها نمی‌داند.^۶ عالم وهابی محمد العثیمین نیز بر این باور است که اطلاق لفظ "سرور" بر زنان و مخاطب ساختن آنان با الفاظی همچون "سروران"، تصرف در حقائق است؛ چرا که تنها مردان سرورند و زن به منزله‌ی اسیری در دست مرد است.^۷ وی مرد را از جهات مختلفی افضل از زن دانسته است.^۸ به عنوان مثال او با استناد به برخی از آیات قرآن کریم^۹ ادعا کرده است که عقل مرد کامل‌تر از عقل زن است.^{۱۰} محمد الفزازی از اندیشمندان سلفیه جهادی نیز تفکری شبیه تفکر العثیمین داشته و زن را موجودی دانسته است که از نقصان عقل رنج می‌برد.^{۱۱} به اعتقاد او زن حتی اگر فضانورد یا دانشمند هسته‌ای هم شود باز با مشکل نقصان عقل مواجه است.^{۱۲} اندیشمند اخوانی سید سابق

۱. سمهوری، راند، نقد الخطاب السلفی، ص ۹۶.

۲. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، شرح العمدة فی بیان مناسک الحج و العمرة، ج ۱، ص ۱۷۶.

۳. همان، جامع المسائل، ج ۳، ص ۴۱۷.

۴. «و انشان ضعیف و کم طاقت آفریده شده است»؛ نساء: ۲۸.

۵. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۵، ص ۴۰۰.

۶. سمهوری، راند، نقد الخطاب السلفی، ص ۱۱۱.

۷. عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل، ج ۱۰، ص ۹۲۸.

۸. همان، تفسیر الفاتحة و البقرة، ج ۳، ص ۱۰۶.

۹. «وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى»، بقره: ۲۸۲؛ «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»، نساء: ۳۴.

۱۰. همان، الضیاء اللامع من الخطب الجوامع، ج ۲، ص ۴۲۹.

۱۱. فزازی، محمد بن محمد، بین منهج الرحمن و منهج الشیطان، ص ۱۰.

۱۲. همان.

نیز با استناد به روایتی از نبی اکرم ﷺ^۱ کج خلقی را از خصوصیات ذاتی زن دانسته است که در طبیعت وی وجود دارد و اصلاح آن بسیار دشوار، بلکه محال است.^۲

در مقابل این نگاه دسته دومی به زن، گروهی از سلفیان اخوانی زن را در کرامت و انسانیت هم‌تای با مرد دانسته^۳ و به ادعای خودشان به مقابله با اندیشه‌ی محو شخصیت زن پرداخته‌اند.^۴ در همین راستا آنان اقدام به نقد و توجیه دلالتی کرده‌اند که به نوعی با اندیشه آنان در این باره سازگار نیست.^۵ به عنوان مثال محمد غزالی در توجیه روایاتی که زنان و بانوان را جمعیت غالب جهنم معرفی کرده،^۶ می‌نویسد: «اگر بیشتر کسانی که داخل دوزخ می‌شوند از زنانند؛ پس قول خداوند سبحان به چه معناست؟ «جنات عدن

۱. «اسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ، فَإِنَّ الْمَرْأَةَ خُلِقَتْ مِنْ ضِلَعٍ، وَإِنَّ أَعْوَجَ شَيْءٍ فِي الصُّلْعِ أَعْلَاهُ، فَإِنَّ ذَهَبَ تَقِيمُهُ كَسَرَتَهُ، وَإِنْ تَرَكَتَهُ لَمْ يَزَلْ أَعْوَجَ، فَاسْتَوْصُوا بِالنِّسَاءِ»؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۳۷؛ ح ۳۳۳۱؛ ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، ص ۴۰۱.

۲. سابق، سید، فقه السنة، ج ۳، ص ۸۳.

۳. واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمین الاصلاحية، ص ۱۴۶؛ شماخ، عامر، الاخوان المسلمون من نحن؟ و ماذا نريد؟، ص ۱۱۱.

۴. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۷۱.

۵. شماخ، عامر، الاخوان المسلمون من نحن؟ و ماذا نريد؟، ص ۱۱۲.

۶. «أَطْلَعْتُ فِي الْجَنَّةِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا الْفُقَرَاءَ، وَأَطْلَعْتُ فِي النَّارِ فَرَأَيْتُ أَكْثَرَ أَهْلِهَا النِّسَاءَ»؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۶۰۳؛ ح ۳۲۴۱؛ همان، تخریج الأحادیث المرفوعة المسندة في كتاب التاريخ الكبير للبخاری، ص ۱۱۱۴؛ ح ۶۸۳؛ ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم، تاویل مختلف الحديث، ص ۳۹۹؛ جوهری بغدادی، علی بن جعد، مسند ابن الجعد، ص ۴۷۷؛ ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، ص ۷۶۷؛ ح ۲۷۳۷؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، ص ۵۸۶؛ ح ۲۶۰۲؛ نسائی، احمد بن شعیب، السنن الكبرى، ج ۸، ص ۳۰۰؛ ح ۹۲۱۷؛ قطیعی، احمد بن جعفر، جزء الف دينار، ص ۳۲۷؛ ح ۲۱۳؛ اسدی اندلسی، مهلب بن احمد، المختصر النصح فی تهذیب الكتاب الجامع الصحیح، ج ۳، ص ۴۴۱؛ قوام السنة، اسماعیل بن محمد، الحجة فی بیان المعجزة و شرح عقيدة اهل السنة، ج ۱، ص ۵۰۹؛ ح ۳۱۳؛ ابن فاخر، معمر بن عبدالوهاب، موجبات الجنة، ص ۱۸۱؛ ح ۲۶۱؛ ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، جامع الاصول فی احادیث الرسول، ج ۴، ص ۶۷۵؛ ح ۲۷۷۸؛ طیبی، حسین بن عبدالله، شرح الطیبی علی مشکاة المصابیح، ج ۱۰، ص ۳۱۰؛ ح ۵۲۳۴.

«فَمُنَّتْ عَلَيَّ بَابُ الْجَنَّةِ، فَكَانَ عَامَّةً مَنْ دَخَلَهَا الْمَسَاكِينُ وَأَصْحَابُ الْحَدِّ مَحْبُوسُونَ؛ غَبَّرَ أَنَّ أَصْحَابَ النَّارِ قَدْ أَمِرَ بِهِمْ إِلَى النَّارِ، وَفُتَّتْ عَلَيَّ بَابُ النَّارِ، فَإِذَا عَامَّةً مَنْ دَخَلَهَا النِّسَاءُ»؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۷۲۷؛ ح ۵۱۹۶؛ بصری انصاری، محمد بن عبدالله، حدیث محمد بن عبدالله الانصاری، ص ۳۱؛ ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، ص ۷۶۷؛ ح ۲۷۳۶؛ بزاز، محمد بن عبدالله، کتاب الفوائد، ص ۱۷۴؛ ح ۱۳۳؛ حلبی، اسماعیل بن قاسم، حدیث ابی القاسم الحلبي، ص ۴۱؛ ح ۴۰؛ بغوی، حسین بن مسعود، شرح السنة، ج ۱۴، ص ۲۶۵؛ ح ۴۰۶۳؛ مقدسی، محمد بن عبدالواحد، من عوالی الضیاء، ص ۶۱؛ ح ۵۰؛ حریملی نجدی، فیصل بن عبدالعزیز، تفریز ریاض الصالحین، ص ۱۹۱؛ ح ۲۵۸؛ شجری جرجانی، یحیی بن الحسین، ترتیب الامالی الخمیسیة، ج ۲، ص ۲۷۸؛ ح ۲۴۳۳.

یدخلونها و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم»^۱. در واقع بیان حدیث نبوی بدون فقه و فهم درست، خود یک نوع تحریف سخن از جایگاه واقعی آن است و این نوع تصرف نادرست، مصیبتی بزرگ برای اسلام است»^۲. همچنین وی در توجیه روایتی که زن را با مشکل نقصان عقل مواجه دانسته است،^۳ می‌نگارد: «بی‌گمان برخی از کسانی که محدث‌نما هستند می‌خواهند از این حدیث، چیزهایی را بفهمند که هیچ پیوندی با آن ندارد؛ به همین دلیل از خود، قاعده‌ای کلی ساخته و آن را در طول و عرض امت پخش کرده و می‌گویند: «النساء ناقصات عقل و دین»^۴. این کلیت‌پنداری با آیات قرآنی که مقرر می‌دارد زنان و مردان از همدیگرند، تناقض داشته و با احادیثی که زنان را همتای مردان می‌دانند، همخوانی ندارد»^۵. به اعتقاد او حدیث مذکور تنها زنانی را ناقص العقل خوانده است که نسبت به شوهران خویش کفران نعمت کرده و در مقابل زحمات و تلاش‌های آنان ناسپاسی می‌کنند»^۶.

ب. کارکردشناسی

تمام گروه‌های سلفی، کارکرد اولیه زن را رسیدن به امور منزل و به عبارت بهتر ادای حقوق مرد و تربیت فرزندان می‌دانند.^۷ اما سؤال این است که آنان درباره کارکرد ثانویه

۱. رعد: ۲۳.

۲. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۵۴.

۳. " خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي أَضْحَىٰ أَوْ فِطْرٍ إِلَى الْمُصَلَّى، فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ، فَقَالَ: «يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقُنَّ فَإِنِّي أُرِيْتُكُمْ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ» فَقُلْنَ: وَيَمَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «تُكْفِرُنَّ اللَّعْنَ، وَتُكْفِرُنَّ الْعَشِيرَ، مَا رَأَيْتُ مِنْ نَاقِصَاتِ عَقْلِ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِبِّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ»، قُلْنَ: وَمَا نُقْصَانُ دِينِنَا وَعَقْلِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ» قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: «فَذَلِكَ مِنْ نُقْصَانِ عَقْلِهَا، أَلَيْسَ إِذَا حَاضَتْ لَمْ تَصَلِّ وَلَمْ تُصُمْ» قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: «فَذَلِكَ مِنْ نُقْصَانِ دِينِهَا»؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۷۱۴، ح ۱۴۶۲؛ ابن‌الحجاج، مسلم، صحیح مسلم، ص ۳۵، ح ۱۳۲؛ ابن‌ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن‌ماجه، ج ۵، ص ۱۳۸؛ سجستانی زدی، ابی داود سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۴۶۷۹؛ اصبهانی، احمد بن عبدالله، المسند المستخرج علی صحیح الامام مسلم، ج ۱، ص ۱۵۸، ح ۲۳۹؛ آجری، محمد، الشریعة، ج ۲، ص ۵۸۶، ح ۲۱۹.

۴. زنان با مشکل نقصان عقل و نقصان دین مواجه‌اند.

۵. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۵۶ - ۵۵۵.

۶. همان، ص ۵۵۶.

۷. جامعه الاسلامیة بالمدينة المنورة، مجلة الجامعة الاسلامیة بالمدينة المنورة، ج ۳، ص ۱۷۰؛ ابوزید، بکر بن عبدالله، حراسة الفضیلة، ص ۶۲؛ ابی‌النور مقدسی، عبداللطیف بن محمد، الطریق السوی فی اقتفاء اثر النبی ﷺ، ص ۲۷؛ غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۶۹؛ البنا، حسن، مجموعة رسائل الامام الشهدی حسن البنا، ص ۲۸۶؛ ابن‌تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۳۴، ص ۹۰.

زن چه دیدگاهی دارند؟ آیا از منظر ایشان زن بعد از فراغ از وظیفه و کارکرد اولیه خویش می‌تواند کارکرد دیگری داشته و شغل دیگری برگزیند؟ یا اینکه رسیدگی به امور منزل اولین و تنها کارکرد زن بوده و زن برای خانه‌داری آفریده شده است؟ در پاسخ باید گفت: آن‌گونه که از عبارات ابن تیمیه استفاده می‌شود، در عصر ایشان غیر از اشتغال بانوان در خانه و رسیدن آنان به اموری همچون پختن نان و غذا و اطعام حیوانات و چهارپایان و ... فضای چندانی برای اشتغال بانوان فراهم نبود.^۱ به همین دلیل او و همفکرانش توجه چندانی به مسئله کارکرد ثانویه زن نشان نداده و درباره جواز یا عدم جواز مسئله مذکور نظریه‌پردازی نکرده‌اند؛ اما سایر گروه‌های سلفی با توجه به اینکه در عصری زندگی کرده که غیر از خانه‌داری، فضای جدیدی در ادارات، رستوران‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و ... برای اشتغال بانوان فراهم بوده و هست، مسئله کارکرد ثانویه بانوان را مورد اهتمام قرار داده و به بحث درباره جواز یا عدم جواز مسئله مذکور پرداخته‌اند.

نکته جالب اینکه در این حوزه نیز با دو نگاه متفاوت در میان جریان‌های سلفی مواجه هستیم: الف) نگاه منفی همراه با شک و تردید. ب) دیدگاه خوش‌بینانه و همراه با حسن ظن.

الف) نگاه منفی و همراه با شک و تردید

برخی از سلفیان جهادی، گروهی از اخوان المسلمین و نیز برخی از وهابیان کارکرد ثانویه زن را از باب اکل میته (خوردن مردار) و اضطراب جایز دانسته و بر این باورند که زن فقط به مقدار ضرورت می‌تواند کارکرد دیگری غیر از خانه‌داری داشته باشد.^۲ به عنوان مثال حسن البنا بنیانگذار جنبش اخوان المسلمین بر این باور است که اگر ضرورت اجتماعی اقتضا کند، زن می‌تواند به کاری غیر از خانه‌داری اشتغال یابد؛ اما باید توجه داشت که این مسئله از باب ضرورت جایز است و نباید به یک نظام عمومی تبدیل شود.^۳ به اعتقاد او باید به زنان علومی آموزش داده شود که ایشان در انجام وظیفه

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۳۴، ص ۹۰.

۲. البنا، حسن، مجموعه رسائل الامام الشهيد حسن البنا، ص ۲۸۶ و ص ۲۹۲؛ ابوزید، بکر بن عبدالله، حراسة الفضیلة، ص ۴۱ - ۳۹؛ مالکی، سمیر، یغونها عوجا، ص ۱۷ - ۱۱؛ بن فوزان، صالح، تنبیهات علی احکام تختص بالمومنات، ج ۱، ص ۱۲.

۳. البنا، حسن، مجموعه رسائل الامام الشهيد حسن البنا، ص ۲۹۲.



خانه‌داری بدان نیاز دارند؛ بنابراین، آموزش زبان‌های مختلف، رشته‌های تخصصی و علمی از این دست به بانوان امری بیهوده است.^۱ اندیشمند جهادی سمیر المالکی نیز این اندیشه که پیشرفت و تمدن جوامع منوط به حضور زنان در عرصه کسب و کار است را مورد نقد قرار داده و ادعا کرده است که نتیجه اندیشه مذکور به ابتدال کشاندن بانوان است.^۲ به اعتقاد او با وجود مردان هیچ نیازی به حضور زنان در حوزه کسب و کار نیست.^۳ وی بر این باور است که اگر روزی فرا رسد که مردان از عهده وظایف خویش برنیامده و پیشرفت و آبادانی جوامع منوط به حضور زنان در عرصه کسب و کار باشد، حضور آنان با رعایت شرایط و ظوابط اسلامی اشکالی ندارد؛ اما باید توجه داشت که مسئله مذکور خیالی بیش نیست و صرفاً یک فرضیه است.^۴ وی بازداشتن زنان از انجام وظیفه مادری به وسیله ایجاد فضای اشتغال برای آنان را ظلم به بانوان دانسته است.^۵ عالم وهابی صالح بن فوزان نیز بر این باور است که حضور بانوان در عرصه کسب و کار، منوط به چهار شرط است که از جمله آنها نیاز زن و یا جامعه به این حضور است.^۶

ب) نگاه خوش‌بینانه همراه با حسن ظن

برخلاف گروه نخست، دسته دیگری از سلفیان، کارکرد ثانویه زن را به صورت مطلق جایز دانسته‌اند.^۷ بن‌باز مفتی مشهور عربستان سعودی بدون اینکه سخنی از ضرورت و نیاز فرد یا جامعه به میان آورد، کار کردن زنان در زمین کشاورزی، کارخانه و ... را در صورتی که موجب اختلاط آنان با مردان نامحرم نشود، جایز دانسته است.^۸ وی در پاسخ به این سؤال که با توجه به آیه شریفه «و اما من خاف مقام ربه و نهی النفس عن الهوی»^۹ باید از تبعیت از هوای نفس اجتناب کرد، آیا کارکردن بانوان بدون نیاز آنان به

۱. همان، ص ۲۸۶.

۲. مالکی، سمیر، بیغونها عوجا، ص ۱۷ - ۱۱.

۳. همان.

۴. همان.

۵. همان.

۶. بن‌فوزان، صالح، تنبیهات علی احکام تختص بالمومنات، ج ۱، ص ۱۲.

۷. بن‌باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی، ج ۴، ص ۳۱۰.

۸. همان.

۹. نازعات: ۴۰.

کار و فعالیت اقتصادی از مصادیق تبعیت از هوای نفس است؟ یادآور می‌شود که اگر کاری که بانوان می‌خواهند به آن اشتغال یابند از کارهای مباح و مشروع باشد، در این صورت اشتغال آنان به این کار اشکالی نداشته و از مصادیق تبعیت از هوای نفس نیست، حتی اگر نیاز به آن کار نداشته باشند.^۱ همچنین وی در پاسخ به این سؤال که آیا اسلام، زنان و بانوان را از کسب و کار و تجارت منع کرده است؟ حضور زنان و بانوان در عرصه کسب و کار و تجارت را جایز دانسته و تنها بر این نکته تأکید کرده است که حضور آنان در این عرصه نباید موجب اختلاط آنان با مردان نامحرم و اموری از این دست شود.^۲ عثمان الخمیس عالم دیگر وهابی پا را فراتر گذاشته و در پاسخ به این سؤال که آیا کارکردن برای بانوان در قسمت اداری شرکت‌ها جایز است یا خیر؟ بدون اینکه از اختلاط با افراد نامحرم نهي کند، با رعایت حجاب این کار را برای آنان جایز دانسته است، حتی اگر ایشان نیاز اقتصادی و مالی هم نداشته باشند.^۳

همین نگاه را می‌توان در سخنان و آثار برخی از اندیشمندان اخوانی و حتی جهادی نیز مشاهده کرد.^۴ اندیشمند اخوانی یوسف القرضاوی نه تنها نگاهی ضرورتی به کارکرد ثانویه زنان ندارد؛ بلکه وی اساساً مشارکت نکردن بانوان در کارهای مدیریتی و رهبری را یکی از مشکلات زنان مسلمان در عرصه کار و فعالیت دانسته است.^۵ توفیق یوسف الواعی دیگر اندیشمند اخوانی نیز بر این باور است که بانوان باید جمعیت‌های مختلفی تشکیل دهند که در راستای افزایش ظرفیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان فعالیت نمایند.^۶ ابوبصیر طرطوسی از رهبران فکری سلفیه جهادی نیز جواز کارد ثانویه بانوان را منوط به عدم اختلاط زنان و مردان، عدم خلوت میان زن و مرد و اموری از این دست دانسته است، بدون اینکه اشاره‌ای به ضرورت و نیاز فردی یا اجتماعی داشته

۱. بن باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۸، ص ۲۹۸.

۲. همان، ج ۲۸، ص ۱۰۳.

۳. الخمیس، عثمان، فتاوی الشیخ عثمان الخمیس، ج ۱۶۱، ص ۱.

۴. قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۳؛ واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمین الاصلاحية، ص ۱۴۹؛ طرطوسی، ابوبصیر، الحوار المفتوح فی منتدی بلسم الايمان، ص ۲۹.

۵. قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۳.

۶. واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمین الاصلاحية، ص ۱۴۹.

باشد.^۱

در جمع بندی دیدگاه سلفیه درباره کارکرد ثانویه زن باید گفت: به نظر می‌رسد وهابیان و سلفیان جهادی نگاهی تکلیف مدار به مسئله کارکرد ثانویه زن دارند.^۲ آنان توجه چندانی به ابعاد اخلاقی، تربیتی و اجتماعی این مسئله نداشته و صرفاً با این نگاه که به لحاظ شرعی زن حق حضور در محیط کار را دارد یا خیر؟ به مسئله مذکور می‌نگرند.^۳ در نتیجه به دو گروه کلی تقسیم می‌شوند: الف) عده‌ای می‌گویند: از منظر شرع زن حق خروج از خانه را نداشته و باید در حد ضرورت و نیاز به این کار اقدام نماید؛ بنابراین، با توجه به اینکه لازمه کارکرد ثانویه زن، خروج وی از منزل است، این کار نیز باید در حد ضرورت صورت گیرد.^۴ در واقع از منظر این گروه کارکرد ثانویه در برخی اوقات از مصادیق امور ضروری و در برخی موارد از مصادیق امور غیرضروری است؛ بنابراین، تنها در صورتی جایز خواهد بود که از مصادیق امور ضروری باشد.^۵ ب) گروه دیگر کارکرد ثانویه زن را به صورت مطلق و در تمامی اوقات از مصادیق اموری ضروری دانسته است؛ به همین دلیل بدون اینکه سخنی از ضرورت به میان آورند، در جواز کارکرد ثانویه زنان به مباحثی همچون عدم اختلاط، عدم خلوت و اموری از این دست تأکید دارند.^۶ در یک کلام از نگاه سلفیان جهادی و وهابیان، جواز کارکرد ثانویه زن به نحو ضرورت یا مطلق، ناشی از تعارض یا عدم تعارض کارکرد ثانویه زن با کارکرد اولیه وی نبوده و از تعارض یا عدم تعارض کارکرد ثانویه با اصولی همچون اصل عدم خروج زن از خانه نشأت می‌گیرد.^۷

در مقابل اندیشمندان اخوانی بر خلاف وهابیان و سلفیان جهادی در بررسی حکم

۱. طرطوسی، ابوبصیر، الحوار المفتوح فی منتدی بلسم الایمان، ص ۲۹.
۲. بن باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۴، ص ۳۱۰؛ طرطوسی، ابوبصیر، الحوار المفتوح فی منتدی بلسم الایمان، ص ۲۹؛ بن فوزان، صالح، تنبیهات علی احکام تختص بالمومنات، ج ۱، ص ۱۲.
۳. همان.
۴. بن فوزان، صالح، تنبیهات علی احکام تختص بالمومنات، ج ۱، ص ۱۲؛ مالکی، سمیر، بیغونها عوجا، ص ۱۷ - ۱۱.
۵. همان.
۶. بن باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۴، ص ۳۱۰؛ طرطوسی، ابوبصیر، الحوار المفتوح فی منتدی بلسم الایمان، ص ۲۹؛ الخمیس، عثمان، فتاوی الشیخ عثمان الخمیس، ج ۱، ص ۱۶۱.
۷. بن باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۴، ص ۳۱۰؛ طرطوسی، ابوبصیر، الحوار المفتوح فی منتدی بلسم الایمان، ص ۲۹؛ بن فوزان، صالح، تنبیهات علی احکام تختص بالمومنات، ج ۱، ص ۱۲.

کارکرد ثانویه زن به ابعاد اخلاقی، تربیتی و اجتماعی مسئله مذکور توجه دارند؛^۱ به همین دلیل حسن البناء و همفکران وی، کارکرد ثانویه زن را در تعارض با کارکرد اولیه ایشان، یعنی تربیت فرزندان و ادای حقوق مرد دانسته و آن را به قدر ضرورت جایز دانسته‌اند.^۲ در مقابل یوسف قرضاوی و همفکران وی چنین تعارضی را قبول نداشته و با توجه به اهمیت نقش اجتماعی بانوان، بر جواز کارکرد ثانویه زنان به صورت مطلق تأکید دارند.^۳

ج. حقوق و وظایف

سلفیه درباره حقوق و وظایف بانوان نیز دارای دیدگاه واحد و یکسانی نبوده و باز می‌توان دیدگاه آنان در این حوزه را به دو دسته کلی مثبت و منفی تقسیم کرد.

الف. حقوق و وظایف دینی

به لحاظ حقوق و وظایف دینی بانوان یک اختلاف اساسی میان گروه‌های متعدد سلفی وجود دارد. وهابیان، سلفیه جهادی و گروهی از اخوان المسلمین با دید منفی به زن نگریسته و وی را عامل فتنه‌ای دانسته‌اند که به هر روش ممکن باید از دیده شدن او جلوگیری کرده و مانع فتنه‌گری وی شد.^۴ در مقابل محمد غزالی و برخی دیگر از شخصیت‌های اخوانی به مقابله با این نگاه منفی پرداخته و "اصل عدم دیده شدن زن" را مورد نقد قرار داده‌اند.^۵

۱. البناء، حسن، مجموعة رسائل الامام الشهيد حسن البناء، ص ۲۹۲؛ قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۳؛ واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمين الاصلاحية، ص ۱۴۹.
۲. البناء، حسن، مجموعة رسائل الامام الشهيد حسن البناء، ص ۲۹۲.
۳. قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۳؛ واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمين الاصلاحية، ص ۱۴۹.
۴. بن باز، عبدالعزیز، التبرج و خطر مشاركة المرأة للرجل فی میدان عمله، ج ۱، ص ۵؛ بن عبدالعزیز، محمد، فتاوی اسلامیة، ج ۱، ص ۲۴۲؛ عثیمین، محمد بن صالح، لقاء الباب المفتوح، ج ۱، ص ۳۹؛ همان، اللقاء الشهري، ج ۲۴، ص ۲۰؛ بن جبرین، عبدالله بن عبدالرحمن، فتاوی الشيخ ابن جبرین، ج ۲۳، ص ۵۵؛ ابوبکر جزائری، جابر بن موسی، ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبير، ج ۴، ص ۲۶۵؛ ابوزید، بكر بن عبدالله، حراسة الفضيلة، ص ۱۸؛ البناء، حسن، مجموعة رسائل الامام الشهيد حسن البناء، ص ۲۸۷؛ سابق، سید، فقه السنة، ج ۲، ص ۱۳۲؛ سید امام، عبدالقادر بن عبدالعزیز، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۹۷۰.
۵. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۶۶؛ قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۰.

۱. دیدگاه منفی و همراه با سوءظن

در نگاه منفی به زن، وظایف و حقوق دینی بانوان به گونه‌ای تعریف شده است که دیده شدن آنان به حداقل ممکن رسیده و از فتنه‌گری ایشان تاجایی که امکان دارد، جلوگیری شود، به عنوان مثال:

الف. وهابیان بر این باورند که زن تنها می‌تواند برای انجام کارهای ضروری که غیر او قادر به انجام آنها نیست، از خانه خارج شود.^۱ همچنین آنان در مسئله حجاب بسیار سختگیرانه و تنگ نظرانه فتوا داده و پوشاندن صورت و دست‌ها را نیز بر زنان واجب دانسته‌اند.^۲ آنان بر مسئله حرمت خلوت زن با مرد نامحرم نیز تأکید ویژه‌ای دارند،^۳ به گونه‌ای که از نظر ایشان استفاده بانوان به تنهایی از وسیله نقلیه‌ای که راننده آن مرد نامحرم است، به دلیل حرمت خلوت زن با مرد نامحرم، جایز نیست.^۴ نگاه منفی به زن و اینکه وی عامل فتنه است، سبب شده است که وهابیان حتی اختلاط میان زن و مرد در مکان‌های عمومی، بازارها و... را نیز جایز ندانند.^۵ همچنین آنان بر این باورند که جواز مسافرت برای زن منوط به این است که یکی از محارم وی، او را در سفر همراهی کند.^۶

ب. عالم اخوانی حسن‌البناء نیز همانند علمای وهابی اختلاط زنان با مردان را حرام و غیرمجاز دانسته است.^۷ به اعتقاد او اختلاط دختران و پسران در مدارس و مکان‌های

۱. بن باز، عبدالعزیز، التبرج و خطر مشاركة المرأة للرجل فی میدان عمله، ج ۱، ص ۵؛ بن عبدالعزیز، محمد، فتاوی اسلامیة، ج ۱، ص ۲۲۲؛ عثیمین، محمد بن صالح، لقاء الباب المفتوح، ج ۱، ص ۳۹؛ همان، اللقاء الشهري، ج ۲۴، ص ۲۰؛ بن جبرین، عبدالله بن عبدالرحمن، فتاوی الشیخ ابن جبرین، ج ۲۳، ص ۵۵؛ ابوبکر جزائری، جابر بن موسی، ایسر التفاسیر لكلام العلی الكبیر، ج ۴، ص ۲۶۵؛ ابوزید، بكر بن عبدالله، حراسة الفضيلة، ص ۱۸.
۲. آل شیخ، محمد بن ابراهیم، فتاوی و رسائل، ج ۱۰، ص ۲۶؛ عباد البدر، عبدالمحسن بن حمد، شرح سنن ابی داود، ج ۲۰۶، ص ۴۳؛ عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی ارکان الاسلام، ص ۵۳۵؛ همان، شرح العقيدة السفارینية، ص ۶۹۸؛ همان، رسالة الحجاب، ص ۱۰.
۳. عباد البدر، عبدالمحسن بن عبدالله، شرح سنن ابی داود، ج ۳۹۲، ص ۳۵.
۴. بن جبرین، عبدالله بن عبدالرحمن، اعتقاد اهل السنة، ج ۸، ص ۱۸.
۵. سعد، عبدالله بن عبدالرحمن، اتباع الصراط فی الرد علی دعة الاختلاط، ص ۱۳؛ بن فوزان، صالح، الملخص الفقهي، ج ۱، ص ۲۱۱؛ قحطانی، سعید بن علی، اظهار الحق و الصواب فی حکم الحجاب، ص ۷۱۳؛ همان، الاختلاط بین الرجال و النساء، ص ۱۱؛ همان، الغناء و المعازف فی ضوء الكتاب و السنة و آثار الصحابة، ص ۱۱۷.
۶. بن باز، عبدالعزیز و عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی مهمة لعموم الامة، ص ۱۵۳؛ شقیطی، محمد امین، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، ج ۵، ص ۴۱۳؛ عثیمین، محمد بن صالح، مناسک الحج و العمرة و المشروع فی الزیارة، ص ۱۴.
۷. البناء، حسن، مجموعة رسائل الامام الشهيد حسن البناء، ص ۲۸۷.

عمومی و نیز حضور بانوان در رستوران‌ها، باغ‌ها و مجموعه‌های تفریحی و گردشگری جایز نیست.^۱ وی در مسئله خلوت زن و مرد نیز دیدگاهی شبیه دیدگاه وهابیت دارد، او بر این باور است که اسلام برای جلوگیری از خلوت زنان و مردان، بانوان را از حضور در مساجد نهی کرده و به آنان سفارش کرده است که نماز را در خانه اقامه کنند.^۲ سید سابق دیگر اندیشمند اخوانی نیز همانند وهابیان جواز مسافرت برای بانوان را منوط به همراهی محارم دانسته است.^۳ به اعتقاد او فریضه حج، زمانی بر زن واجب می‌شود که شوهر یا یکی از محارم وی، او را در این سفر همراهی کند.^۴

ج. اندیشمندان جهادی نیز همانند علمای وهابی بر این باورند که زن باید در خانه بماند و تنها در صورت نیاز از آن خارج شود.^۵ همچنین آنان همانند وهابیان پوشاندن صورت و دست‌ها را بر زنان واجب دانسته‌اند.^۶ به اعتقاد اندیشمندان جهادی یکی از وظایف حاکم و ولی امر این است که از اختلاط زنان و مردان در بازارها، مدارس، آموزشگاه‌ها و ... جلوگیری کند.^۷ آنان همانند وهابیان جواز مسافرت زن را نیز منوط به این دانسته‌اند که یکی از محارم وی، او را در سفر همراهی کند.^۸

۲. دیدگاه مثبت و همراه با حسن ظن

در نگاه مثبت به بانوان، برخلاف دیدگاه قبلی، زن موجودی ذاتا فتنه‌آفرین معرفی نشده است.^۹ طرفداران این دیدگاه به تقویت این نظریه پرداخته‌اند که انحراف و فتنه‌ای در دیده شدن زن وجود ندارد.^{۱۰} به اعتقاد محمد غزالی این دیدگاه که جایز نیست دیگران زن را ببینند و زن نیز دیگران را مشاهده کند، دیدگاه افراطی‌ای است که انسانیت زن را

۱. همان، ص ۲۹۱ - ۲۹۲.

۲. همان، ص ۲۸۸.

۳. سابق، سید، فقه السنة، ج ۲، ص ۱۳۲.

۴. همان.

۵. فزازی، محمد بن محمد، التذیر، ص ۱۸.

۶. سید امام، عبدالقادر بن عبدالعزیز، الجامع فی طلب العلم الشریف، ص ۹۷۰.

۷. السیف، محمد بن عبدالله، السیاسة الشرعية، ص ۲۰۴؛ السعد، عبدالله بن عبدالرحمن، اتباع الصراط فی الرد علی دعاة الاختلاط، ص ۱۳.

۸. الشریف، محمد بن شاکر، الاربعون النسائیة، ص ۴.

۹. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۶۶.

۱۰. همان.



پایمال کرده و حقوق مادی و معنوی وی را ضایع می‌کند.^۱ وی بر این باور است که دیدگاه مذکور، مردان را زندان بانانی دانسته است که باید از زنان و زندانیان خود مراقبت کنند.^۲ به اعتقاد یوسف قرضاوی نیز حدیث نبوی‌ای که بهترین عمل برای زن را این دانسته است که وی مردی را نبیند و مردی نیز او را مشاهده نکند، ضعیف و غیرقابل اعتناست.^۳

این نگاه مثبت به زن، سبب شده است که محمد غزالی و دیگر شخصیت‌های اخوانی همفکر با او، برخلاف گروه قبلی، حقوق و وظایف دینی بانوان را طوری بیان کنند که منافاتی با دیده شدن آنان نداشته باشد.^۴ به عنوان مثال محمد غزالی اختلاط زنان با مردان را جایز دانسته است.^۵ همچنین وی نقاب زدن و پوشاندن صورت و دست‌ها را بر زنان و بانوان واجب ندانسته است.^۶ به اعتقاد یوسف قرضاوی نیز اصل این است که عبادات و جلسات درس و مباحث علمی به صورت مشترک میان زنان و مردان برگزار شود.^۷

باید توجه داشت که هرچند محمد غزالی و همفکران او زن را موجودی ذاتا فتنه‌آفرین ندانسته و بر این باورند که وی این حق را دارد که دیده شود؛ اما به شدت بر این مسئله تأکید دارند که اسلام با به ابتذال کشاندن زنان مخالف است.^۸ در واقع به اعتقاد این گروه، زن ذاتا فتنه‌آفرین نیست؛ اما از عارض شدن فتنه بر او نیز باید جلوگیری کرد.^۹ در همین راستا محمد غزالی با استناد به آیه شریفه «وقرن فی بیوتکن و لا تبرجن التبرج الجاهلیة»،^{۱۰} بیرون رفتن زن از خانه همراه با خودنمایی و زینت‌نمایی را غیرمجاز اعلام

۱. همان.

۲. همان، ص ۵۷۲.

۳. قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۰.

۴. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۷۵؛ قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۲.

۵. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۷۵.

۶. همان.

۷. قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۲.

۸. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۷۱.

۹. همان.

۱۰. احزاب: ۳۳.

کرده است،^۱ به اعتقاد او از نظر اسلام زن می‌تواند به فضا نیز برود؛ اما این کار باید با رعایت حدود و آداب شرعی باشد.^۲ وی استخدام منشی زن توسط مدیران و روسا و نیز استخدام دختران و زنان جوان به عنوان مهانپذیر در شرکت‌های هواپیمایی را از ابزار و روش‌های به ابتدال کشاندن بانوان دانسته است.^۳ همچنین وی برای جلوگیری از ابتدال بانوان جواز اختلاط زنان و مردان را به رعایت آداب و حدود شرعی منوط کرده است.^۴ یوسف قرضاوی دیگر اندیشمند اخوانی نیز بر این باور است که آیه شریفه «و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى»^۵ با خودنمایی و زینت‌نمایی بانوان مخالفت می‌کند نه خروج آنان از خانه.^۶ به اعتقاد توفیق یوسف واعی نیز از نظر اسلام، جواز مشارکت زنان و مردان در فعالیت‌های مختلف زندگی، به رعایت آداب و حدود شرعی منوط است.^۷

دیدگاه ابن تیمیه و همفکران او

ابن تیمیه و همفکران او را باید داخل در گروه اول و طرفداران اصل عدم دیده شدن زن دانست؛ چرا که ایشان نیز در مسئله حجاب سختگیرانه و تنگ‌نظرانه فتوا داده و پوشاندن صورت و دست‌ها را بر بانوان واجب دانسته‌اند.^۸ همچنین آنان اختلاط زنان با مردان را حرام و غیرمجاز اعلام کرده‌اند،^۹ تا جایی که ابن قیم جوزی شاگرد ابن تیمیه، ممانعت و جلوگیری از اختلاط زنان و مردان در بازارها و مکان‌های عمومی را یکی از وظایف ولی امر و حاکم دانسته است.^{۱۰} تنها اشکالی که وجود دارد این است که ابن تیمیه در برخی موارد فتوایی صادر کرده است که در تقابل کامل با "اصل عدم دیدن شدن زن" قرار

۱. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۰۸ - ۵۰۷.

۲. همان.

۳. همان، ص ۵۷۱.

۴. همان، ص ۵۷۵.

۵. احزاب: ۳۳.

۶. قرضاوی، یوسف، دیدگاه‌های فقهی معاصر، ج ۴، ص ۳۴۵.

۷. واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمین الاصلاحية، ص ۱۴۸.

۸. ابن قیم جوزی، محمد، اعلام الموقعین، ج ۲، ص ۴۷؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، حجاب المرأة و لباسها فی الصلاة، ص ۳۳.

۹. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، ج ۲، ص ۷۲۱.

۱۰. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی بکر، الطرق الحکمیة فی السیاسة الشرعیة، ج ۲، ص ۷۲۱.

دارند. به عنوان مثال وی بر این باور است که در مجالس عروسی زنان می‌تواند با استفاده از ابزاری همچون دف برای مردان آواز خوانی کنند؛ البته نباید از قبل فردی، مأمور این کار شود یا زنان در مقابل این عمل اجرت و عوضی دریافت کنند؛^۱ بنابراین، تناقض‌گویی ابن تیمیه سبب شده است که نتوان او و همفکرانش را به طور قطع از گروه اول دانست؛ اما به نظر می‌رسد گرایش آنان به دسته اول و طرفدارن نظریه عدم دیده شدن زن، بیشتر از گرایش آنان به گروه دوم است.

ب. حقوق و وظایف اجتماعی

دیدگاه سلفیه درباره حقوق و وظایف اجتماعی بانوان، بازتاب دیدگاه ایشان درباره حقوق و وظایف دینی زنان است؛ به عبارت دیگر گروهایی از سلفیه که به "اصل عدم دیده شدن زن" اعتقاد دارند، بر مبنای این اعتقاد حقوق اجتماعی زنان را بسیار محدود دانسته و آن را در حداقل ممکن مطرح می‌سازند. در مقابل ناقدان "اصل عدم دیده شدن زن" بر مبنای اعتقاد خود مبنی بر اینکه زن می‌تواند دیگران را ببیند و دیگران نیز می‌توانند زن را ببینند، حقوق اجتماعی بانوان را گسترده‌تر دانسته و طرفدار نگاه حداکثری به این مسئله‌اند.

قبل از ورود به بحث و تبیین دو دیدگاه حداقلی و حداکثری درباره حقوق اجتماعی بانوان، باید گفت: با توجه به اینکه مسائل حقوق اجتماعی بانوان همچون رانندگی زنان، حق اشتغال بانوان در ادارات، کارخانجات و ... در عصر ابن تیمیه و همفکران وی مطرح نبود، به همین دلیل نمی‌توان تبیینی از دیدگاه ایشان در این حوزه ارائه کرد.

۱. دیدگاه حداقلی به حقوق و وظایف اجتماعی بانوان

علما و اندیشمندان وهابی حقوق اجتماعی زنان را با محدودیت‌های جدی مواجه دانسته‌اند.^۲ به عنوان مثال آنان از باب سد ذرایع^۱ رانندگی بانوان را حرام و غیرمجاز اعلام

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۲۹، ص ۵۵۳.

۲. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، درس للشیخ سفر الحوالی، ج ۸۵، ص ۲۳؛ بن باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۳، ص ۳۵۱؛ عباد البدر، عبدالمحسن بن حمد، شرح سنن ابی داود، ج ۲۰۶، ص ۴۳؛ شعود، علی بن نایف (شهاب ثاقب)، مقالات و ابیات منوعة حول اوضاعنا المعاصرة، ص ۱۵؛ عثمان، محمد بن صالح، فتاوی نور علی الدرب، ج ۲۴، ص ۲؛ همان، مجموعه اسئلة تهم الامرة المسلمة، ص ۷۸؛ بن جبرین، عبدالله بن عبدالرحمن، فتاوی الشیخ ابن جبرین، ج ۲۲، ص ۱؛ قحطانی، سعید بن علی، اظهار الحق و الصواب، ص ۷۴۵؛ همان، الاختلاط بین الرجال و النساء، ص ۲۲۳.

کرده‌اند.^۲ ایشان بر این باورند که رانندگی بانوان موجب خروج زن از خانه، خلوت وی با راننده نامحرم، اختلاط زن و مرد و مسائلی از این دست است، به همین دلیل باید از آن جلوگیری کرد تا از وقوع مفاسد مذکور ممانعت شود.^۳ همچنین آنان اشتغال زنان در ادارات، کارخانه‌ها و مکان‌های مختلط را نیز حرام دانسته‌اند.^۴

همین نگاه نشأت یافته از "اصل عدم دیده شدن زن" را می‌توان در آثار اندیشمندان جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوانی نیز مشاهده کرد. به عنوان مثال ابوبصیر طرطوسی نظریه پرداز و تئورسین جهادی نیز اشتغال زنان در مکان‌های مختلط را حرام و غیرمجاز اعلام کرده است.^۵ حسن البنا نیز با ذکر این نکته که در جامعه اسلامی اجتماع زنان باید جدای از اجتماع مردان باشد،^۶ زنان را فاقد حق اشتغال در مکان‌های مختلط معرفی کرده است.^۷

۲. دیدگاه حداکثری به حقوق و وظایف اجتماعی بانوان

محمد غزالی و همفکرانی اخوانی وی با اعتقاد به اینکه زن حق دیدن و دیده شدن را دارد، در مسئله حقوق و وظایف اجتماعی بانوان برخلاف گروه قبلی دیدگاه مساعدتری اتخاذ کرده‌اند.^۸ آنان زنان را دارای حق رانندگی دانسته و بر این باورند که ممانعت از

۱. "سد" یعنی بستن و جلوگیری کردن و "ذرایع" جمع "ذریعة" به معنای وسیله است. معنای اصطلاحی "سد ذرایع" نیز عبارت است از: جلوگیری کردن از هر کاری که به حسب عادت منجر به مفسده‌ای می‌شود؛ ر.ک: بن‌باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی، ج ۳، ص ۳۲۲ و مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، ج ۲، ص ۴۹۴.

۲. الحوالی، سفر بن عبدالرحمن، دروس للشیخ سفر الحوالی، ج ۸۵، ص ۲۳؛ بن‌باز، عبدالعزیز، مجموع فتاوی، ج ۳، ص ۳۵۱؛ عباد البدر، عبدالمحسن بن حمد، شرح سنن ابی داود، ج ۲۰۶، ص ۴۳؛ شحود، علی بن نایف (شهاب ثاقب)، مقالات و اباحات منوعة حول اوضاعنا المعاصرة، ص ۱۵.

۳. همان.

۴. عثیمین، محمد بن صالح، فتاوی نور علی الدرب، ج ۲۴، ص ۲؛ همان، مجموعة اسئلة تهم الاسرة المسلمة، ص ۷۸؛ بن‌جبرین، عبدالله بن عبدالرحمن، فتاوی الشیخ ابن جبرین، ج ۲۲، ص ۱؛ قحطانی، سعید بن علی، اظهار الحق و الصواب، ص ۷۴۵؛ همان، الاختلاط بین الرجال و النساء، ص ۲۲۳.

۵. طرطوسی، ابوبصیر، الحوار المفتوح فی متدی بلسم الايمان، ص ۲۹.

۶. البنا، حسن، مجموعة رسائل الامام الشهيد حسن البنا، ص ۲۸۸؛ الباز، محمد، مدافع الاخوان، ص ۱۶۴.

۷. همان، ص ۱۶۵.

۸. غزالی، محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۸۱؛ واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمین الاصلاحية، ص ۱۴۸.



رانندگی ایشان با رعایت حدود و احکام شرعی، عمل اشتباه و نادرستی است.^۱ همچنین ایشان مشارکت زنان با مردان در انجام فعالیت‌های مختلف اجتماعی را جایز دانسته و تنها به این نکته تأکید دارند که این مشارکت باید با آداب شرعی همراه باشد.^۲

ج. حقوق و وظایف سیاسی

در منابع روایی اهل سنت روایاتی وجود دارند که از واگذاری حق ولایت و رهبری به زنان نهی کرده‌اند، از جمله این روایت‌ها، حدیث معروف "لن یفلح قوم ولوا امرهم امراة"^۳ است. در متون روایی اهل سنت به نقل از ابوبکر آمده است: «خداوند مرا به وسیله‌ی کلامی که از رسول خدا ﷺ شنیده بودم در روزهای (جنگ) جمل بهره‌مند گردانید. پس از آنکه نزدیک بود که به اصحاب جمل (که به طرفداری عایشه می‌جنگیدند) بپیوندم و به همراه آنان در مقابل طرفداران علی ع نبرد کنم. آنگاه که به رسول خدا ﷺ خبر رسید که مردم فارس دختر خسرو را به پادشاهی گرفته‌اند، فرمود: «قومی که زنی را بر خود زمامدار کنند، هرگز رستگار نمی‌شوند».^۴ نوع نگاه به این روایت و نیز فهم و تفسیر آن منشأ اختلاف دیدگاه گروه‌های متعدد سلفی درباره حقوق سیاسی بانوان است. ابن تیمیه و همفکران وی، وهابیت، سلفیه جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوانی با تکیه بر روایت مذکور بانوان را فاقد بسیاری از حقوق سیاسی دانسته‌اند. در مقابل گروهی از اخوان المسلمین روایت مذکور را قابل جمع با حقوق سیاسی زنان دانسته و به دفاع از حقوق بانوان در این حوزه پرداخته‌اند.

۱. دیدگاه حداقلی به حقوق سیاسی بانوان

ابن تیمیه با تکیه بر حدیث "لن یفلح قوم ولوا امرهم امراة"، اطاعت از بانوان را مهمترین

۱. غزالی محمد، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۸۱.

۲. واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمین الاصلاحية، ص ۱۴۸.

۳. «قومی که زنی را بر خود زمامدار کنند، هرگز رستگار نمی‌شوند».

۴. «حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ الْهَيْثَمِ، حَدَّثَنَا عَوْفٌ، عَنِ الْحَسَنِ، عَنْ أَبِي بَكْرَةَ، قَالَ: لَقَدْ نَفَعَنِي اللَّهُ بِكَلِمَةٍ سَمِعْتُهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَيَّامَ الْجَمَلِ، بَعْدَ مَا كَذَبْتُ أَنْ الْحَقَّ بِأَصْحَابِ الْجَمَلِ فَأَقَاتِلَ مَعَهُمْ، قَالَ: لَمَّا بَلَغَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّ أَهْلَ فَارِسَ، قَدْ مَلَكُوا عَلَيْهِمْ بِنْتُ كِسْرَى، قَالَ: «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَوْ أَمَرَهُمْ امْرَأَةٌ»؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۲۶۰، ح ۱۴۲۵؛ دولایی رازی، محمد بن احمد، الکنی و الاسماء، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۲۳؛ اشبیلی، ابو محمد عبدالحق، الاحکام الشرعية الكبرى، ج ۲، ص ۱۲۶.

عامل فساد حکومت‌ها و دولت‌ها دانسته است.^۱ به اعتقاد ابن‌قیم جوزی و ابن‌کثیر دو شاگرد ابن‌تیمیّه نیز بر اساس حدیث مذکور زن حق قضاوت نداشته و نمی‌تواند قاضی شود.^۲

اندیشمندان وهابی نیز همانند ابن‌تیمیّه و همفکران وی حدیث مذکور را در تقابل با حقوق سیاسی بانوان دانسته‌اند. به اعتقاد عباد البدر بانوان نه می‌توانند به کاندیداتوری در انتخابات اقدام کنند و نه می‌توانند حق رأی داشته و کاندیداتور مورد نظر خود را انتخاب کنند؛ چرا که لازمه کاندیداتوری یا رأی دادن بانوان، ولایت یافتن آنان بر مردان است.^۳ محمد العثیمین نیز بر این باور است که بر اساس حدیث "لن یفلح قوم ولوا امرهم امراة" بانوان نمی‌توانند متصدی مناصبی همچون قضاوت و وزارت شوند.^۴ به اعتقاد عثیمین، زنان حتی حق قضاوت میان بانوان را هم ندارند.^۵ او با استناد بر حدیث مذکور به دلیل جلوگیری از ولایت یافتن بانوان بر مردان، انتخاب یک زن به عنوان مدیر مدرسه پسرانه را نیز غیرمجاز اعلام کرده است.^۶

همین نگاه و همین فهم و برداشت از حدیث "لن یفلح قوم ولوا امرهم امراة" در آثار سلفیه جهادی نیز قابل مشاهده است. از نگاه ایشان نیز بانوان فاقد حق قضاوت،^۷ وزارت،^۸ کاندیداتوری در انتخابات و انتخاب کاندیداتور هستند.^۹

جالب اینکه برخی از چهره‌های اخوانی نظیر محمد غزالی که در حوزه انسان‌شناسی و یا حقوق و وظایف دینی به دفاع از بانوان پرداخته‌اند نیز حدیث "لن یفلح قوم ولوا

۱. ابن‌تیمیّه، احمد بن عبدالحلیم، تهذیب اقتضاء الصراط المستقیم، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲. ابن‌قیم جوزی، محمد، إعلام الموقعین عن رب العالمین، ج ۲، ص ۲۷۱؛ ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱، ص ۶۰۸.

۳. عباد البدر، عبدالمحسن بن حمد، لماذا لا تقود المرأة السيارة فی المملكة العربية السعودية، ص ۱۰.

۴. عثیمین، محمد بن صالح، فتح ذی الجلال و الاکرام بشرح بلوغ المرام، ج ۶، ص ۱۶۹.

۵. همان، ص ۱۷۰.

۶. همان.

۷. الدعوة السلفية، الانتخابات... روية شرعية، ص ۴؛ مقدسی، ابوالنور، الطريق السوی فی اقتفاء اثرالنبي، ص ۴۳۸.

۸. الرابطة الشرعية للعلماء و الدعاة بالسودان، هذا بیان للناس و قفات مع اخطر مخالفات دستور السودان للاسلام، ص ۱۱؛ شنقیطی، ابومنذر، الاظهار لبطلان تامين الکفار فی هذه الاعصار، ص ۳؛ عبدالقادر بن عبدالعزيز، سيد امام، العمدة للجهاد فی سبیل الله تعالی، ص ۶۶.

۹. الرابطة الشرعية للعلماء و الدعاة بالسودان، هذا بیان للناس و قفات مع اخطر مخالفات دستور السودان للاسلام، ص ۱۳.

امرهم امراة" را نافی برخی از حقوق سیاسی بانوان دانسته‌اند.^۱ غزالی با تکیه بر حدیث مذکور، زنان را فاقد حق قضاوت و وزارت معرفی کرده است؛^۲ البته وی رأی و نظر خویش در این باره را یک رأی و نظر اجتهادی دانسته است که وحی قطعی و مسلم نبوده و می‌توان از آن تخطی کرد.^۳ وی به صراحت اعلام می‌کند که حق ندارد به نام اسلام از واگذاری مناصب و مسئولیت‌های مهم به زنان جلوگیری کند و تنها می‌تواند رأی و نظر اجتهادی خویش را در این باره ارائه دهد.^۴

۲. دیدگاه حداکثری به حقوق سیاسی بانوان

یوسف قرضاوی به سه دلیل روایت "لن یفلح قوم ولوا امرهم امراة" را قابل جمع با حقوق سیاسی بانوان دانسته و ادعا کرده است که حدیث مذکور منافاتی با قضاوت، وزارت و کاندیداتوری بانوان ندارد: الف) قاعده "العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب" اجماعی نبوده و کسانی از سلف همچون ابن عباس و ابن عمر اسباب نزول را در تفسیر متون دینی معتبر می‌دانستند؛ بنابراین، حدیث مذکور عمومیت نداشته و فقط در مقام بیان عدم فلاح و رستگاری ایرانیانی است که با وجود افراد شایسته بر اساس یک حکومت مورثی دختر خسرو را به پادشاهی خود برگزیده بودند. ب) حتی اگر قاعده "العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص السبب" صحیح و اجماعی باشد، باز نمی‌توان با تکیه بر حدیث مذکور بانوان را از حق قضاوت، وزارت و کاندیداتوری محروم ساخت؛ چرا که حدیث مذکور تصدی منصب امامت کبری (امامت و خلافت) و آنچه که در ردیف امامت کبری است؛ مانند ریاست دولت را بر بانوان حرام و غیرمجاز اعلام کرده است؛ بنابراین، نمی‌توان با تکیه بر حدیث "لن یفلح قوم ولوا امرهم امراة" زنان را از داشتن حق قضاوت، وزارت و کاندیداتوری محروم ساخت. ج) واقعیت این است که در نظام دموکراسی هنگامی که یک زن به مقام وزارت یا نمایندگی مجلس و ... می‌رسد، وی بر مردان ولایت نمی‌یابد، چرا که افراد و گروه‌های بسیاری در جایگاه وی سهیم هستند و

۱. غزالی، محمد، من هنا نعلم، ص ۱۶۳ - ۱۶۲.

۲. همان.

۳. همو، اسلام پاسخ می‌دهد، ص ۵۶۵.

۴. همان.

تنها درصد کمی از اختیارات آن جایگاه در دست اوست.^۱

این نگاه به زن و حقوق سیاسی او اختصاص به یوسف قرضاوی نداشته و برخی دیگر از شخصیت‌های اخوانی نظیر عمار شماخ و توفیق یوسف واعی نیز زن را به استثنای حق تصدی منصب امامت کبری و ریاست دولت دارای تمامی حقوق سیاسی از جمله حق تصدی مسئولیت‌های کلان، حق عضویت در مجلس نمایندگان، حق قضاوت و حق انتخاب کاندیداتور منتخب معرفی کرده‌اند.^۲

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

گروه‌ها و شخصیت‌های سلفی دیدگاه یک نواختی درباره زن و جایگاه او ندارند. ابن تیمیه، وهابیان، سلفیان جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوانی، نگاه منفی همراه با سوءظن نسبت به زن دارند. در مقابل گروهی از اخوان المسلمین به ترویج دیدگاه مثبت و همراه با حسن ظن پرداخته‌اند.

در حوزه انسان‌شناسی، ابن تیمیه و همفکران وی، وهابیان، سلفیان جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوانی نظیر سید سابق، زن را موجود درجه دومی معرفی کرده که دارای این خصوصیات است: از نقصان عقل رنج می‌برد، نمی‌توان او سیده (سرور) نامید، به منزله اسیری در دست مرد است و کج خلقی از خصوصیات ذاتی اوست. در مقابل گروهی از اخوانی‌ها نظیر محمد غزالی و عامر شماخ، زن را در کرامت و انسانیت همتای با مرد دانسته و به ادعای خودشان به مقابله با اندیشه محو شخصیت زن پرداخته‌اند.

در حوزه کارکرد شناسی نیز گروهی از وهابیان، گروهی از سلفیان جهادی و برخی از اندیشمندان اخوان المسلمین کارکرد ثانویه زن را از باب اکل میته (خوردن مردار) جایز دانسته و بر این باورند که زن به مقدار ضرورت می‌تواند کارکرد دیگری غیر از خانه‌داری داشته باشد. در مقابل گروه دیگری از وهابیان، سلفیان جهادی و اندیشمندان اخوانی به صورت مطلق کارکرد ثانویه زن را مجاز اعلام کرده و آن را به ضرورت فردی یا اجتماعی

۱. قرضاوی، یوسف، فتاوی معاصره، ج ۲، ص ۴۲۶.

۲. شامخ، عامر، الاخوان المسلمون من نحن؟ و ماذا نريد؟، ص ۱۱۲ و ص ۱۱۶؛ واعی، توفیق یوسف، الروية الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمین الاصلاحية، ص ۱۴۹.

منوط نساخته‌اند.

درباره حقوق و وظایف بانوان نیز باید گفت که در حوزه حقوق و وظایف دینی، ابن تیمیه و همفکران وی، وهابیان، سلفیان جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوانی نظیر حسن البنا بر مبنای "اصل عدم دیده شدن زن"، دیدگاه سختگیرانه‌ای ارائه داده‌اند. در مقابل محمد غزالی و دیگر همفکران وی بر مبنای این اعتقاد که زن حق دیدن و دیده شدن را دارد، دیدگاه مساعدتری در این باره اتخاذ کرده‌اند. در حوزه حقوق اجتماعی نیز وهابیان، سلفیان جهادی و برخی از شخصیت‌های اخوانی با نگاه حداقلی به حقوق بانوان، ایشان را از برخی حقوق همچون حق رانندگی و اشتغال در ادارات مختلط محروم دانسته‌اند. در مقابل گروهی از اخوانی‌ها با نگاه حداکثری به حقوق بانوان، ایشان را دارای حقوقی همچون حق رانندگی و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی معرفی کرده‌اند. همچنین در حوزه حقوق سیاسی، ابن تیمیه و همفکران وی، وهابیان، سلفیان جهادی و حتی برخی از شخصیت‌های اخوانی نظیر محمد غزالی حقوق سیاسی بانوان را در تعارض با حدیث "لن یفلح قوم ولوا امرهم امراة" دانسته و زنان را فاقد برخی از حقوق سیاسی همچون تصدی منصب قضاوت، تصدی منصب وزارت و ... معرفی کرده‌اند. در مقابل یوسف قرضاوی و دیگر همفکران اخوانی وی با تفسیر خاص خود از حدیث مذکور، زن را دارای تمامی حقوق سیاسی به استثنای حق امامت کبری و ریاست دولت دانسته‌اند.

منابع

١. قرآن كريم.
٢. ابن اثير جزرى، مبارك بن محمد، جامع الاصول فى احاديث الرسول، تحقيق: عبدالقادر الارنوط، بى جا: مكتبة الحلوانى، چاپ اول، ١٣٩٠ق _ ١٩٧٠م.
٣. قرضاوى، يوسف، «موكراسى در اسلام»، نشریه داخلی اصلاح، سال سوم، شماره ١٨، ١٣٩٣ش.
٤. ابن تيميه حرانى، احمد، اقتضاء الصراط المستقيم لمخالفة اصحاب الجحيم، تحقيق: ناصر عبدالكريم العقل، بيروت: دار عالم الكتب، چاپ هفتم، ١٤١٩ق.
٥. ابن تيميه حرانى، احمد، النبوات، تحقيق: عبدالعزيز بن صالح الطويان، رياض: اضواء السلف، چاپ اول، ١٤٢٠ق _ ٢٠٠٠م.
٦. ابن تيميه حرانى، احمد، تهذيب اقتضاء الصراط المستقيم، بحيره: دارالعلوم، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٧. ابن تيميه حرانى، احمد، جامع المسائل، تحقيق: محمد عزيز شمس، بى جا: دار عالم الفوائد للنشر والتوزيع، چاپ اول، ١٤٢٢ق.
٨. ابن تيميه حرانى، احمد، حجاب المرأة و لباسها فى الصلاة، تحقيق: محمد ناصر الدين البانى، بى جا: المكتب الاسلامى، چاپ هفتم، ١٤٠٥ق _ ١٩٨٥م.
٩. ابن تيميه حرانى، احمد، شرح العمدة فى بيان مناسك الحج و العمرة، تحقيق: صالح بن محمد الحسن، رياض: مكتبة الحرمين، چاپ اول، ١٤٠٩ق _ ١٩٩٨م.
١٠. ابن تيميه حرانى، احمد، مجموع الفتاوى، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه منوره: مجمع الملك فهد، ١٤١٦ق.
١١. ابن فاخر، معمر بن عبدالواحد، موجبات الجنة، تحقيق: ناصر بن احمد بن نجار، بى جا: مكتبة عباد الرحمن، چاپ اول، ١٤٢٣ق _ ٢٠٠٢م.
١٢. ابن قتيبه دينورى، ابومحمد عبدالله بن مسلم، تأويل مختلف الحديث، بى جا: مؤسسة الاشراق، چاپ دوم، ١٤١٩ق _ ١٩٩٩م.
١٣. ابن قيم جوزى، محمد بن ابى بكر، اعلام الموقعين عن رب العالمين، تحقيق: محمد عبدالسلام ابراهيم، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١١ق.
١٤. ابن قيم جوزى، محمد بن ابى بكر، الطرق الحكمية فى السياسة الشرعية، تحقيق: نايف بن احمد الحمد، مكة مكرمه: دار عالم الفوائد، چاپ اول، ١٤٢٨ق.
١٥. ابن قيم جوزى، محمد بن ابى بكر، حادى الارواح الى بلاد الافراح، قاهره: مطبعة المدنى، بى تا.
١٦. ابن قيم جوزى، محمد بن ابى بكر، زاد المعاد فى هدى خير العباد، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ هفدهم، ١٤١٥ق _ ١٩٩٤م.
١٧. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، تحقيق: محمود حسن، بى جا: دار الفكر،

١٤١٤ق _ ١٩٩٤م.

١٨. ابن ماجه، محمد بن يزيد، سنن ابن ماجه، تحقيق: شعيب الارنؤوط و ديكران، بي جا: دار الرسالة العالمية، چاپ اول، ١٤٣٠ق _ ٢٠٠٩م.
١٩. ابوبكر جزائري، جابر بن موسى، ايسر التفاسير لكلام العلي الكبير، مدينه منوره: مكتبة العلوم و الحكم، چاپ پنجم، ١٤٢٤ق _ ٢٠٠٣م.
٢٠. ابوزيد، بكر بن عبدالله، حراسة الفضيلة، رياض: دار العاصمة للنشر و التوزيع، چاپ يازدهم، ١٤٢٦ق _ ٢٠٠٥م.
٢١. ابى النور مقدسى، عبداللطيف بن محمد، الطريق السوى فى اقتفاء اثر النبى ﷺ، بي جا: مركز الفجر للاعلام، ١٤٣٠ق _ ٢٠٠٩م، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٢٢. قطب، سيد، معالم فى الطريق، بي جا: دارالشروق، ١٩٧٩م.
٢٣. زرقاوى، ابومصعب، الارشيف الجامع لكلمات و خطابات، بي جا: بي نا، بي تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٢٤. شنقيطى، ابومنذر، اسلاميون فى وحل الديمقراطى، بي جا: بي نا، بي تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٢٥. سيد امام، عبدالقادر بن عبدالعزيز، العمدة للجهاد فى سبيل الله، بي جا: بي نا، بي تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٢٦. اسدى اندلسى، مهلب، المختصر النصيح فى تهذيب الكتاب الجامع الصحيح، تحقيق: احمد بن فارس السلوم، رياض: دار التوحيد، چاپ اول، ١٤٣٠ق _ ٢٠٠٩م.
٢٧. اشبيلى، ابومحمد عبدالحق، الاحكام الشرعية الكبرى، تحقيق: ابو عبدالله حسين بن عكاشه، رياض: مكتبة الرشد، ١٤٢٢ق _ ٢٠٠١م.
٢٨. الاشقر، عمر بن سليمان، الرسل و الرسالات، كويت: مكتبة الفلاح للنشر و التوزيع، چاپ چهارم، ١٤١٠ق _ ١٩٨٩م.
٢٩. جندى، انور، حسن البناء امام شهيد راه دعوت و نوگرابى، ترجمه: مصطفى اربابى، بي جا: نشر احسان، ١٣٨٩ش.
٣٠. الاصبهانى، احمد بن عبدالله، المسند المستخرج على صحيح الامام مسلم، تحقيق: محمد حسن محمد حسن اسماعيل الشافعى، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٧ق _ ١٩٩٦م.
٣١. آجرى، محمد، الشريعة، تحقيق: عبدالله الدميجى، رياض: دار الوطن، چاپ دوم، ١٤٢٠ق.
٣٢. آل شيخ، محمد بن ابراهيم، فتاوى و رسائل سماحة الشيخ محمد بن ابراهيم بن عبداللطيف، تحقيق: محمد بن عبدالرحمن بن قاسم، مکه مكرمه: مطبعة الحكومة، چاپ اول، ١٣٩٩ق.
٣٣. الباز، محمد، مدافع الاخوان، قاهره: كنوز للنشر و التوزيع، بي تا.
٣٤. بخارى، محمد بن اسماعيل، تخريج الاحاديث المرفوعة المسندة فى كتاب التاريخ الكبير للبخارى، تنظيم: محمد بن عبدالكريم بن عبيد، رياض: مكتبة الرشد، چاپ اول، ١٤٢٠ق _ ١٩٩٩م.

٣٥. بخارى، محمد بن اسماعيل، صحيح بخارى، ترجمه: دكتور طاهر لاوژه، اروميه: مؤسسه انتشاراتى حسيني اصل، چاپ دوم، ١٣٩٢ش.
٣٦. بزاز، محمد بن عبدالله، كتاب الفوائد، تحقيق: حلمى كامل اسعد عبدالهادى، رياض: دار ابن الجوزى، چاپ اول، ١٤١٧ق _ ١٩٩٧م.
٣٧. بصرى انصارى، محمد بن عبدالله، حديث محمد بن عبدالله الانصارى، تحقيق: مسعد عبدالحميد محمد السعدنى، رياض: اضواء السلف، چاپ اول، ١٤١٨ق _ ١٩٩٨م.
٣٨. بغوى، حسين بن مسعود، شرح السنة، تحقيق: شعيب الاناويط _ محمد زهير الشاويش، بيروت: المكتب الاسلامى، چاپ دوم، ١٤٠٣ق _ ١٩٨٣م.
٣٩. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوى العلامة عبدالعزيز بن باز، بى جا: بى نا، بى تا.
٤٠. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، التبرج و خطر مشاركة المرأة للرجل فى ميدان عمله، عربستان: وزارة الشؤون الاسلامية و الاوقاف و الدعوة و الارشاد، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٤١. بن جبرين، عبدالله بن عبدالرحمن، اعتقاد اهل السنة، بى جا: بى نا، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٤٢. بن جبرين، عبدالله بن عبدالرحمن، فتاوى الشيخ ابن جبرين، بى جا: بى نا، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٤٣. بن حجاج، مسلم، صحيح مسلم، مصر: دار ابن حزم، چاپ اول، ١٤٢٩ق _ ٢٠٠٨م.
٤٤. بن عبدالعزيز، محمد، فتاوى اسلامية، رياض: دار الوطن للنشر، چاپ دوم، ١٤١٣ق.
٤٥. بن فوزان، صالح، الملخص الفقهي، رياض: دار العاصمة، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٤٦. بن فوزان، صالح، تبيهاات على احكام تختص بالمؤمنات، المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الاسلامية و الاوقاف و الدعوة و الارشاد، ١٤٢٣ق.
٤٧. بن فوزان، صالح، فتاوى الطب و المرضى، بى جا: رئاسة ادارة البحوث العلمية و الافتاء، بى تا.
٤٨. البناء، حسن، مجموعة رسائل الامام الشهيد حسن البناء، بى جا: دار الدعوة، چاپ اول، ١٤٢٣ق _ ٢٠٠٢م.
٤٩. ترمذى، محمد بن عيسى، سنن الترمذى، تحقيق: محمد ناصرالدين البانى، رياض: مكتبة المعارف للنشر و التوزيع، چاپ دوم، ١٤٢٩ق _ ٢٠٠٨م.
٥٠. جامعة الاسلامية بالمنورة، مجلة الجامعة الاسلامية بالمنورة، بى جا: موقع الجامعة على الانترنت، در: <http://www.ahlalhdeeth.com>
٥١. جوهرى بغدادى، على بن جعد، مسند ابن الجعد، تحقيق: عامر احمد حيدر، بيروت: مؤسسة نادر، چاپ اول، ١٤١٠ق _ ١٩٩٠م.
٥٢. حدوشى، عمر بن مسعود، كيف تفهم عقيدتك بدون معلم؟، بى جا: بى نا، چاپ دوم، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٥٣. حدوشى، عمر بن مسعود، مجموعة الرسائل فى اهم المسائل، بى جا: بى نا، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.

٥٤. حريملى نجدى، فيصل بن عبدالعزيز، **تطريز رياض الصالحين**، تحقيق: عبدالعزيز بن عبدالله بن ابراهيم آل حمد، رياض: دار العاصمة للنشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٢٣ق - ٢٠٠٢م.
٥٥. حلبى، اسماعيل بن قاسم، **حديث ابي القاسم الحلبي**، بى جا: مخطوط نشر فى برنامج الجوامع الكلم المجانى التابع لموقع الشبكة الاسلامية، چاپ اول، ٢٠٠٤م.
٥٦. الحوالى، سفر بن عبدالرحمن، **دروس للشيخ سفر الحوالى**، بى جا: بى نا، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٥٧. الخميس، عثمان، **فتاوى الشيخ عثمان الخميس**، بى جا: بى نا، بى تا، در: [www. almanhaj. net](http://www.almanhaj.net)
٥٨. الدعوة السلفية، **الانتخابات ... روية شرعية**، بى جا: بى نا، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٥٩. دولابى رازى، محمد بن احمد، **الكنى و الاسماء**، تحقيق: ابوقتيبه نظر محمد الفاريابى، بيروت: دار ابن حزم، چاپ اول، ١٤٢١ق - ٢٠٠٠م.
٦٠. **الرابطة الشرعية للعلماء و الدعاة بالسودان، هذا بيان للناس - وقفات مع اخطر مخالفات دستور السودان للاسلام**، بى جا: بى نا، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٦١. سابق، سيد، **فقه السنة**، ترجمه: محمود ابراهيمى، سنندج: مردم سالارى، چاپ دوم، ١٣٨٧ش.
٦٢. سجستاني ازدي، ابي داود سليمان بن اشعث، **سنن ابي داود**، تحقيق: خليل مامون شيخا، بيروت: دار المعرفة، چاپ اول، ١٤٢٢ق - ٢٠٠١م.
٦٣. السعد، عبدالله بن عبدالرحمن، **اتباع الصراط فى الرد على دعاة الاختلاط**، بى جا: بى نا، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٦٤. سمهورى، راند، **نقد الخطاب السلفى**، لندن: طوى، چاپ اول، ٢٠١٠م.
٦٥. سيد امام، عبدالقادر بن عبدالعزيز، **الجامع فى طلب العلم الشريف**، بى جا: بى نا، بى تا.
٦٦. السيف، محمد بن عبدالله، **السياسة الشرعية**، بى جا: دارالكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٨ق - ٢٠٠٧م، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٦٧. شامخ، عامر، **الاخوان المسلمون من نحن؟ و ماذا نريد؟**، بى جا: الصحوة، چاپ اول، ١٤٣٢ق - ٢٠١١م.
٦٨. شجرى جرجانى، يحيى بن الحسين، **ترتيب الامالى الخميسة**، تحقيق: محمد حسن محمد حسن اسماعيل، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٢ق - ٢٠٠١م.
٦٩. شحود، على بن نايف (شهاب ثاقب)، **مقالات و ابحاث متنوعة حول اوضاعنا المعاصرة**، بى جا: بى نا، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٧٠. الشريف، محمد بن شاکر، **الاربعون النسائية**، بى جا: بى تا، بى نا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٧١. شنقيطى، ابومنذر، **الاطهار لبطلان تأمين الكفار فى هذه الاعصار**، بى جا: بى نا، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٧٢. شنقيطى، محمد امين، **اضواء البيان فى ايضاح القرآن بالقرآن**، لبنان: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٥ق - ١٩٩٥م.

٧٣. طرطوسى، ابو بصير، **الحوار المفتوح فى متدى بلسم الايمان**، بى جا: بى نا، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٧٤. طيبى، حسين بن عبدالله، **شرح الطيبى على مشكاة المصابيح المسمى بالكاشف عن حقائق السنن**، تحقيق: ٦٩. عبدالحميد هندواوى، رياض: مكتبة نزار مصطفى الباز، چاپ اول، ١٤١٧ق _ ١٩٩٧م.
٧٥. عبد البدر، عبدالمحسن بن حمد، **شرح سنن ابى داود**، بى جا: بى نا، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٧٦. عبد البدر، عبدالمحسن بن حمد، **لماذا لا تقود المرأة السيارة فى المملكة العربية السعودية**، بى جا: بى نا، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٧٧. عبدالقادر بن عبدالعزيز، سيد امام، **العمدة للجهاد فى سبيل الله تعالى**، بى جا: بى نا، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٧٨. عثيمين، محمد بن صالح، **الضياء اللامع من الخطب الجوامع**، بى جا: الرئاسة العامة لادارات البحوث العلمية و الافتاء و الدعوة و الارشاد، چاپ اول، ١٤٠٨ق _ ١٩٨٨م.
٧٩. عثيمين، محمد بن صالح، **اللقاء الشهري**، بى جا: بى نا، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٨٠. عثيمين، محمد بن صالح، **تفسير الفاتحة و البقرة**، المملكة العربية السعودية، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٨١. عثيمين، محمد بن صالح، **رسالة الحجاب**، بى جا: بى نا، بى تا.
٨٢. عثيمين، محمد بن صالح، **شرح العقيدة السفارينية**، رياض: دار الوطن، چاپ اول، ١٤٢٦ق.
٨٣. عثيمين، محمد بن صالح، **فتاوى اركان الاسلام**، تحقيق: فهد بن ناصر بن ابراهيم، رياض: دار الثريا للنشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٢٤ق.
٨٤. عثيمين، محمد بن صالح، **فتاوى نور على الدرب**، بى جا: بى نا، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٨٥. عثيمين، محمد بن صالح، **فتح ذى الجلال و الاكرام بشرح بلوغ المرام**، تحقيق: صبحى بن محمد رمضان، بى جا: المكتبة الاسلامية للنشر و التوزيع، چاپ اول، ١٤٢٧ق _ ٢٠٠٦م.
٨٦. عثيمين، محمد بن صالح، **لقاء الباب المفتوح**، بى جا: بى نا، بى تا، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٨٧. عثيمين، محمد بن صالح، **مجموع فتاوى و رسائل**، تحقيق: فهد بن ناصر بن ابراهيم، بى جا: دارالوطن، ١٤١٣ق، در: نرم افزار مكتبة الشاملة.
٨٨. عثيمين، محمد بن صالح، **مجموعة اسئلة تهم الاسرة المسلمة**، بى جا: دار الوطن للنشر، چاپ اول، بى تا.
٨٩. عثيمين، محمد بن صالح، **مناسك الحج و العمرة و المشروع فى الزيارة**، عنيزة: مكتبة الامة، چاپ اول، ١٤١٣ق.
٩٠. العلوان، سليمان ناصر بن عبدالله، **التبيان شرح نواقض الاسلام**، بى جا: دار المسلم للنشر و التوزيع، چاپ هفتم، بى تا، در: سايت منبر التوحيد و الجهاد.
٩١. غزالى، محمد، **اسلام پاسخ مى دهد**، ترجمه: محمد ابراهيمى، سنندج: آراس، ١٣٩٢ش.
٩٢. غزالى، محمد، **من هنا نعلم**، بى جا: دار نهضة مصر، چاپ اول، بى تا.

٩٣. فزازی، محمد بن محمد، النذیر، بی جا: بی نا، بی تا، در: سایت منبر التوحید و الجهاد.
٩٤. فزازی، محمد بن محمد، بین منهج الرحمن و منهج الشیطان، بی جا: بی نا، بی تا، در سایت منبر التوحید و الجهاد.
٩٥. قحطانی، سعید بن علی، اظهار الحق و الصواب فی حکم الحجاب و التبرج و السفور و الخلوۃ بالمرأة الاجنبیة و سفرها بدون محرم و الاختلاط فی ضوء الكتاب و السنة و آثار السلف الصالح، ریاض، مطبعة سفیر، بی تا.
٩٦. قحطانی، سعید بن علی، الاختلاط بین الرجال و النساء، ریاض: مطبعة سفیر، بی تا.
٩٧. قحطانی، سعید بن علی، الغناء و المعازف فی ضوء الكتاب و السنة و آثار الصحابة، ریاض: مطبعة سفیر، بی تا.
٩٨. قرضاوی، یوسف، دیدگاه های فقهی معاصر، ترجمه: احمد نعمتی، تهران: نشر احسان، چاپ سوم، ۱۳۹۴ ش.
٩٩. قحطانی، سعید بن علی، فتاوی معاصرة، بیروت: المكتبة الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق _ ۲۰۰۰م، ج ۲، ص ۴۲۶.
۱۰۰. قطیعی، احمد بن جعفر، جزء الالف دینار و هو الخامس من الفوائد المنتفأة و الافراد الغرائب الحسان، تحقیق: بدر بن عبدالله البدر، کویت: دار النفائس، چاپ اول، ۱۴۱۴ق _ ۱۹۹۳م.
۱۰۱. قوام السنة، اسماعیل بن محمد، الحجة فی بیان المحجة و شرح عقيدة اهل السنة، ریاض: دار الراهیة، چاپ دوم، ۱۴۱۹ق _ ۱۹۹۹م.
۱۰۲. مالکی، سمیر، یغونها عوجا، بی جا: بی نا، بی تا، در: سایت منبر التوحید و الجهاد.
۱۰۳. مقدسی، ابوالنور، الطريق السوی فی اقتفاء اثرالنبی، بی جا: مرکز الفجر للاعلام، چاپ اول، ۱۴۳۰ق _ ۲۰۰۹م، در: سایت منبر التوحید و الجهاد.
۱۰۴. مقدسی، محمد بن عبدالواحد، من عوالی الضیاء المقدسی تخریجه من الموافقات فی مشایخ احمد، تحقیق: محمد مطیع الحافظ، بیروت: البشائر الاسلامیة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق _ ۲۰۰۱م.
۱۰۵. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، تحقیق: احمد قدسی، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ق.
۱۰۶. نسائی، احمد بن شعیب، السنن الكبرى، تحقیق: حسن عبدالمنعم شلبی، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق _ ۲۰۰۱.
۱۰۷. وائلی، توفیق یوسف، الرویة الشاملة لتوجهات الاخوان المسلمین الاصلاحیة، کویت: دار البحوث العلمیة، بی تا.